

اصلاح‌طلبان می‌گویند عملکرد ضعیف ۶ و نیم ساله دولت کار را برای آنها سخت کرده اما روحانی نظر دیگری دارد

# مدیر پروژه شکست اصلاحات



تلگرام، حضور زنان در ورزشگاه‌ها و... نیز نتوانسته دولت را از مخمصه موجود نجات دهد. همین موضوع و عدم امکان افکار عمومی بابت کارنامه به بار آمده در این هفت سال باعث شده است هرازگاهی سوزهای جدید به خورد جامعه داده شود و رسانه‌ها و فضای مجازی چند روزی را با آن سر کار برونند؛ روزی گلایه از محدودیت اختیارات خبرساز می‌شود، روز دیگر موضوع فراندوم و بیم سرایت حساسیت‌ها درخصوص آن به باقی اصول و تشبیه آن به ویروس کرونا و دیگر روز مذاکره با آمریکا و تلاش برای دوقطبی‌سازی جامعه حول وحوش آن و باز روز دیگر جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام و نقش آن در تصمیم‌گیری‌های تعیین‌کننده (ازجمله FATF) و... و گویا این دور باطل قرار است حالاحالاها ادامه داشته باشد.

در ادامه همین رویه کمتر از یک‌ماه مانده به انتخابات مجلس یازدهم روحانی تلاش دارد توپ فضای سرد انتخاباتی و افت مشارکت قابل‌پیش‌بینی در اسفندماه امسال را به زمین شورای نگهبان انداخته و این‌شورا را مسئول وضع کنونی معرفی کند. در این ارتباط اگرچه کسی منکر نقش شورای نگهبان در زمینه‌سازی برای تقویت فضای رقابتی در انتخابات نیست و عملکرد این‌شورا در انتخابات کنونی نیز همچون انتخابات ۹۶ و برخی ره و تأیید صلاحیت‌ها با ابهاماتی مواجه است. هرچه باشد هنوز خیلی‌ها با گذشت دو سال نسبت به دلایل تصمیماتی چون تأیید صلاحیت اسحاق جهانگیری که آن روزها خود رسماً از کاندیدای واقعی نبودنش سخن گفته و به عنوان یار کمکی در رقابت‌ها حاضر شده بود توجیه نشده‌اند و دچار ابهامند.

اما واقعیت‌ها وجود دارد که نشان می‌دهد کار اساساً از جای دیگری می‌لنگد و افت انگیزه مشارکت را تا حد زیادی باید در جایی بیرون از شورای نگهبان و بازه زمانی دیگری فراتر از شب انتخابات ریشه‌یابی کرد. گزارش پیش‌رو مروری است بر این واقعیت‌ها.

در حالی که فضای کشور همچنان تحت تأثیر اظهارات جناب ظریف قرار داشت، رئیس‌جمهور ترجیح داد بمب رسانه‌ای جدیدی منفجر کند و افکار عمومی را به سمت‌وسوی دیگری سوق دهد؛ اتفاقی که البته جامعه تا حد زیادی به آن عادت کرده است.

روحانی اما و هربار تلاش می‌کند به گونه‌ای جدید جامعه را غافلگیر کند. این‌بار قرعه به نام یک دوجین گوش شنوا از استانداران و فرمانداران افتاد. رئیس‌جمهور بزرگ‌ترین خطر را برای دموکراسی تبدیل‌شدن انتخابات به تشریفات دانست و در کنایه‌هایی که فهم ضمیمه مخاطب آن اصلاً کار سختی نبود، ضمن مقایسه وضع موجود با انتخابات رژیم پهلوی، تصریح کرد نباید جای دیگری انتصاب بفرمایند و بعد مردم پای صندوق برونند و بخواهند تشریفات انتخابات را انجام دهند.

او در ادامه برای چندمین‌بار از لزوم وجود رقابت گفت و اینکه باید فضا برای حضور همه گروه‌ها و عرصه برای انتخاب همه مردم باز باشد. روحانی البته ترجیح داد دربار و ریشه‌های وضع موجود و بی‌رغبتی برخی گروه‌ها برای مشارکت در انتخابات از سویی و انگیزه پایین بخش‌هایی از جامعه برای حضور پای صندوق‌های رای سکوت کرده و پاورچین‌پاورچین از کنار مهم‌ترین مسأله این روزهای کشور بگذرد؛ مسأله‌ای که باید آن را نوعی بحران ناآرامی تلقی کرد. بحرانی که حالا محبوبیت دولت را در هفتمین سال آن به طرز بی‌سابقه‌ای به زیر ۱۰ درصد تنزل داده و باعث سقوط آزاد سرمایه اجتماعی آن شده است. ایده مرکزی دولت برای حل مشکلات کشور که به صورت عینی در برجام تبلور یافته بود در حداکثری‌ترین حالت ممکن شکست خورده است. حال و روز اقتصاد کشور و معیشت مردم از همیشه ناخوش‌تر است و در چنین شرایطی حتی دوقطبی‌سازی‌های اجتماعی نظیر موتورسواری بانوان، فیلترینگ

## حسن روحانی در جمع استانداران و فرمانداران: بگذاریم امنیت و رقابت حاصل شود

حسن روحانی روز دوشنبه در همایش استانداران و فرمانداران سراسر کشور سخنرانی کرد. وی در این سخنرانی با تأکید بر اینکه «نباید با صندوق قهر کرد و امروز روزی است که باید پای صندوق رای رفت»، گفت: «در انتخابات اگر هم دیدیم نقص و ایرادی است، خواهش می‌کنم روز انتخابات، دوم اسفند یک روز تاریخی و بوم‌الله برای ماست، کاری نکنیم که صف‌های ما خلوت باشد، همه ما بیاییم پای صندوق‌های آراء، البته از حالا تا آن زمان به آقای وزیر کشور، همه مسئولان و استانداران و فرمانداران می‌گویم شماها با هیات‌های نظارت رابطه و گاهی دوستی و رفت‌وآمد دارید و اینها را می‌شناسید، آنهاپی که مسئولان بالاتر را می‌شناسند، خودم اقدامات را انجام دادم و نامه‌های لازم را نوشتم و مصلحت ندیدم برخی از نامه‌ها را منتشر کنم، همه ما باید تلاش کرده و این رقابتی بودن را درست کنیم. ما الان در اینجا در رقابت مشکل داریم.» رئیس‌جمهور با بیان اینکه «مردم باید مطمئن شوند رای آنها کم و زیاد نمی‌شود و مشارکت، نظارت، سلامت و امنیت انتخابات و ایجاد نشاط در جامعه یک وظیفه همگانی است»، اظهار داشت: «بگذاریم انتخابات الکترونیکی باشد تا کمی مردم راحت و خیال‌شان آسوده شود. الان هم شما باید تلاش کنید که خیال مردم را آسوده کنید. با دقت و تلاش، مصاحبه، اقدام و امکان خود وزارت کشور، با بازرسی‌هایی که بالای سر صندوق‌ها تعیین می‌کنند. با بازرسی‌هایی که می‌فرستند مردم دل‌شان قرص باشد که رای آنها کم و زیاد نشود، این خیلی مهم است، اعتماد و اطمینان مردم بسیار مهم است. امنیت بسیار مهم است و شما مسئول امنیت و شوراهای تأمین هستید.» وی ادامه داد: «شماها که در جلسات خصوصی خود می‌گویید مجلس بعدی صددرصد مال ماست، اگر مال شماست چرا غصه می‌خورید؟ شما که این جور در اتاق فکر گفتید مجلس بعدی صددرصد مال ماست الحمدالله مال شماست، اگر مال شماست بگذارید یک رقابت شکل بگیرد، مشارکت بالا برود، مجلس هم مال شما باشد، نوش‌جان شما. ما در این داستان اصلاً مشکل نداریم پس بگذاریم امنیت و رقابت حاصل شود، انتخابات سالم باشد و همه تلاش کنیم مشارکت بالا برود.»

## چرا بسیاری از اصلاح‌طلبان نامزد انتخابات نشدند؟

عملکرد دولت بیش از هر چیز موقعیت اجتماعی اصلاح‌طلبان را به خطر انداخته. هر چه باشد جامعه حضور روحانی در جایگاه رئیس‌دولت را تا حد زیادی از چشم آنها و تکرار حمایت‌هایشان از او می‌بیند. حتی اگر گفته شود اصلاح‌طلبان با روحانی عقده‌به‌صورت ائتلاف-نیست‌بودند و عملکرد او به خودش مربوط است، این جریان به دلیل عمل نکردن رئیس‌جمهور به وعده‌هایش از او عبور کرده و هزار و یک توجیه و تأویل دیگر، مرز بندی آنها با روحانی و رقفا برای افکار عمومی باورپذیر نیست.

هر چه باشد آنها روزی صراحتاً اعلام کرده بودند «اگر اصلاح‌طلبان نیاشوند روحانی هم وجود نخواهد داشت»، «حاضریم دندان‌کلید ایشان باشیم» «ما ضامن روحانی هستیم و پایبندی وی به تعهدات را ضمانت می‌کنیم» و... ماه‌ها عسل اصلاح‌طلبان با روحانی اما حالا خیلی وقتی است که به سر رسیده و با قرار گرفتن دولت در سراسیمگی، تلاش‌ها برای مرزبندی با آن شدت گرفته.

چسبندگی میان این دو اما چیزی نیست که به این سادگی‌ها بتوان منکرش شد و از زیر بار هزینه‌هایش شانه خالی کرد و این چیزی است که گویا اصلاح‌طلبان هم به خوبی آن را دریافته‌اند. به صدا در آمدن سوت آغاز پروسه انتخابات مجلس یازدهم، مرزهای نگرانی‌ها از این بابت به طور محسوس‌ی‌جابه‌جا شد و کار را به جایی رساند که بسیاری از اصلاح‌طلبان اساساً ترجیح دادند خود را در چنین شرایطی در معرض انتخاب مردم قرار ندهند و به کلی قید کاندیداتوری را بزنند.

محمدجواد روح عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت در توصیف استقبال سرد هم‌فکرانش از حضور در انتخابات با بیان آنکه درون احزاب هم تمایلی به مشارکت انتخاباتی وجود ندارد تصریح می‌کند همین‌هایی هم که آمدند با هزار درخواست و نامه و به واسطه خاستی و تلفن و به اصطلاح من‌بیم‌رم و تو‌بیم‌ری به میدان آمده‌اند. واقعیتی که نشان‌دهنده می‌دهد انگیزه مشارکت سیاسی حتی بین خود نیروهای حزبی از بین رفته است؛ چه برسد به بدنه اجتماعی!

آفتاب که این فعال سیاسی اصلاح‌طلب متوجه شده اکثریت نیروهای سیاسی این جریان در «کار نکردن» و «کنار کشیدن» متفق‌القول‌اند و دلیل این بی‌انگیزگی هم چیزی نیست جز از دست دادن بدنه اجتماعی. کم‌اینکه اگر در حال حاضر هم مانند دو سال پیش با سوت خاتمی، ده‌ها میلیون نفر در تهران رای می‌دادند امروز بین اصلاح‌طلبان برای ثبت‌نام کردن و در لیست رفتن کشت‌وکشتار بود، اما الان چون می‌دانند کسی پای صندوق نمی‌آید و در واقع قبر خالی است؛ کسی هم سر آن گریه نمی‌کند!

محمد چوچانی عضو شورای مرکزی کارگزاران هم ضمن متذکر شدن آنچه بی‌کفایتی شورای عالی اصلاح‌طلبان در راهبری انتخاباتی آنان می‌خواند، تصریح می‌کند که عارف و باقی بزرگان اصلاحات تصور می‌کنند چون خود نامزد نمی‌شوند، نیازی نیست از دیگران دعوت کنند و با بی‌خیالی و بی‌برنامه با آن مواجه شدند.

نزدیک به همین‌تعبیر و توصیف‌ها را یک سال پیش پیش‌رئیس دولت اصلاحات هم مطرح کرده بود. خاتمی در دیدار با اعضای فراکسیون امید گفته بود: «من از سوی مردم با این سوال مواجه‌م که ما را کشتانید پای صندوق رای، یک مورد نشان دهید که در راستای اصلاحات واقعی باشد» و همان‌جا یاد آور شد که بعید است در انتخابات آینده مردم به حرف ما مردم پای صندوق رای بیایند. صادق زیباکلام هم چند ماه قبل از آن تصریح کرد خیلی از کسانی که سال ۹۴ در انتخابات مجلس شرکت کردند و به تکرار می‌کنم آقای خاتمی لیبک گفتند، دیگر پای صندوق رای انتخابات سال ۹۸ حاضر نمی‌شوند و ۲ بار که سهل است، به خاطر عملکرد روحانی و فراکسیون امید حتی اگر آقای خاتمی ۲۰ مرتبه هم بگوید تکرار می‌کنم آن اتفاق ۹۴ نخواهد.

همین وضعیت برای سوال از مقصر وضع موجود و بی‌انگیزگی فراگیر پدید آمده، در حداقل یک ماه مانده به انتخابات، یک جواب بیشتر باقی نمی‌گذارد. کسی که حالا تلاش دارد برای خود شریک بتراشد و هزینه‌ها را به دیگران تحمیل کند.

## افول در اقتصاد، سیاست و محبوبیت اجتماعی

روانشناسی دولت نشان می‌دهد هر جایی کار سخت جلو می‌رفته، بزنگاه عملیات روانی و دوقطبی‌سازی فرارسیده است و با همین اصل یک خطی هم می‌توان دلیل اظهارات روز گذشته حسن روحانی را با ضرب و لایبی از حقیقت شناسایی کرد. سه دلیل مهم را در ادامه بررسی می‌کنیم.

### اول: شرایط اقتصادی

انتخاب دولت در گران‌کردن بنزین همان یک دستاورد سیاسی دولت در عرصه اقتصاد یعنی ثابت نگه داشتن نرخ سوخت را هم برپا داد و کمتر مولفه اقتصادی در کشور باقی‌مانده که عملکرد ضعیف و غیر قابل‌قبول دولت را نشان ندهد. همین چندی پیش بود که صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد نرخ رشد اقتصادی امسال دولت ایران رکورد رکود را خواهد زد و به منفی ۹ درصد خواهد رسید. از سوی دیگر، نرخ ضرب‌جینی که نشان‌دهنده فاصله طبقاتی در کشور است، در دولت روحانی که آن را در سال ۹۲ با ۰/۳۶۵ تحویل گرفت حالا از ۰/۴۰۹۹ سال ۹۷ هم عبور کرده و در نوع خود تبدیل به یک رکورد شده است. رشد ۲۳۹ درصدی قیمت مسکن در دولت روحانی از آن دست اتفاق‌هایی است که حاصل عملکرد کسی است که می‌گفت افتخار ما نساختن مسکن برای مردم است. تضعیف ۱۱ پله‌ای ایران در فضای کسب‌وکار در سال‌های دولت حسن روحانی گویای این است که وضعیت اشتغال و به تبع آن تولید به‌هیچ‌عنوان مناسب نیست. بر باد رفتن ۶۲ تن ذخایر طلای کشور در اثر سوء‌تدبیر دولت و رشد ۲۸۷ درصدی نرخ ارز در دولت روحانی هم نمونه دیگری از عملکرد بی‌برنامه و اشتباه در عرصه اقتصاد است و حالا شاید بهتر مشخص شود که چرا دولت نه گزارش می‌دهد، نه نشست خبری برگزار می‌کند و به‌جای آن با این نهاد و آن نهاد مشغول دوقطبی‌سازی است.

### دوم: شرایط سیاسی و سیاست خارجی

متأسفانه ایده اصلی دولت برای اداره کشور همان برجام بود که امروز یک‌سال و نیم از خروج آمریکا و پایان دوره رفع تحریم‌ها را سپری می‌کند و مع الاسف مکانیسم ماشه هم امروز به جریان افتاده و ممکن است طی ماه‌های آینده با رفتن به شورای امنیت قطعنامه ۲۲۳۱ را ملغی کند. این اتفاق که بیشتر شبیه یک رودست از آمریکا و اروپا است، نتیجه عدم توجه به نکات و انتقادهایی است که کارشناسان مداوم مطرح می‌کردند و دولت به‌جای توجه به آنها، از یک سو خود را متخصص در گفت‌وگو و تعامل با دنیا می‌دانست و از سوی دیگر کارشناسان و منتقدان را بی‌سواد و بی‌شناسنامه. از این رو ایده دولت با شکست اساسی مواجه شده و به دنبال آن هم مردم ناامید از بهبود شرایط در دوران تصدی دولت دوازدهم؛ البته از آنجایی که در شرایط فعلی هیچ جایگزین و آلترناتیوی برای برجام تدبیر نشده، حسن روحانی امکان جلوگیری برای خود بسیار محدود کرده است. در این شرایط خطاهای راهبردی آنها ادامه دارد و برای مثال در آخرین نمونه محمدجواد ظریف با یک اظهارنظر کاملاً بی‌جا و خطا، پاس گل برای جوسازی ترامپ ایجاد کرد. از این رو انسداد ایده دولت می‌تواند دلیل دیگری بر آفتاب عملیات دوقطبی‌سازی در داخل و حمله به شورای نگهبان هم باشد.

### سوم: شرایط اجتماعی

هرچند از تابستان گذشته محبوبیت دولت در اثر عدم اجرای وعده‌ها و تشدید مشکلات اقتصادی به‌تک‌رقمی شدن نزدیک می‌شد، اما انتحار سیاسی-اجتماعی در ماجرای بنزین ناگهان اعتراضات عمومی را در چندان کرد و بسیاری از مردم را که با این شرایط اقتصادی می‌سوختند و می‌ساختند، صعبانی و معترض کرد. هرچند سوار شدن آشوبگران بر موج این اعتراضات به سرعت دغدغه مردم و بیشتر اقبال مستضعف را به حاشیه برد و به حال ناراضی‌ها را گسترش داد.

رجوع به برخی نظرسنجی‌ها که اخیراً بعد از ماجرای بنزین انجام شده گویای این است که مقبولیت دولت بسیار پایین‌تر از آن چیزی است که خیلی‌ها فکر می‌کنند و نزدیکان دولت می‌خواهند آن را به نمایش بگذارند. برای مثال تک‌رقمی شدن محبوبیت دولت یکی از این عناوین است. با اینکه در یک نظرسنجی دیگر ۴۶ درصد مردم مهم‌ترین مسأله امروز کشور را مشکلات اقتصادی و معیشتی می‌دانند و تنها برای ۱۲ درصد آنها چالش میان ایران و آمریکا مهم‌ترین مسأله امروز کشور است. نکته مهم البته این است که ۵۱ درصد مردم تصور می‌کنند در سال آینده و با روند کنونی وضعیت اقتصاد کشور دچار چالش‌های بیشتری خواهد شد و رو به بهبود نخواهد گذاشت. از طرف دیگر این نظرسنجی‌های معتبر نشان می‌دهد محبوبیت لیست انتخاباتی جریان نزدیک به دولت در بهترین حالت از ۱۵ درصد تجاوز نمی‌کند و همین هم دلیل دیگری بر کاهش محبوبیت دولت و اصلاح‌طلبان است.

## ۶/۵ سال عملیات روانی به‌جای کار و خدمت‌رسانی

یک‌سال و نیم بیشتر به پایان دوران ریاست جمهوری حسن روحانی باقی‌نمانده، کشور شرایط مساعدی ندارد و چالش‌های قابل‌توجهی در موضوعات داخلی و خارجی وجود دارد که نیازمند تدبیر دقیق و کار بیشتر برای حل‌وفصل این مسائل است. قاعدتاً مردم باید به این فکر کنند که دولت در این یک‌سال و نیم باقی‌مانده در پی کدام اقدام مهم و تأثیرگذاری است تا بتواند هم‌نام‌نیک‌ی از خود به‌جا بگذارد و هم شرایط زندگی مردم را که در ۶ سال گذشته هر روز بدتر از قبل شده، بهبود بخشد و به اصطلاح مجری همان وظیفه و وعده‌های باشد که برای اجرای آن روحانی نامزد انتخابات و بعد وارد قوه مجریه شد. اما مع الاسف باید به استحضار مردم برسانیم که دولت نه تنها بنایی برای اجرای وظایف خود در این ۱۸ ماه‌های باقی‌مانده ندارد، که همچنان در بر همان پاشنه قبلی می‌چرخد و به‌جای کار و تلاش و ایده جدید، در سیاست خارجی امیدها به مذاکره است و در سیاست داخلی، امید به نتیجه سیاست خارجی، به انضمام اینکه برای توجیه این بی‌عملی و بدعملی همچنان ایده دوقطبی‌سازی، اصلی‌ترین محور دستور کار دولت است و فقط هرازچندگاهی طرف مقابل این دوقطبی تغییر می‌کند.

سرنخ این دوقطبی‌سازی را اگر دنبال کنیم، به دوران انتخابات سال ۹۲ می‌رسیم، یک ایردوقطبی مانا به نام «یا جنگ یا مذاکره» که از همان روز تا همین امروز حفظ شده و در بزنگاه‌ها فقط کمی داغ‌تر و پرترک‌تر می‌شود. در انتخابات ۹۶، دوقطبی در آزادی‌های اجتماعی برجسته شد و همان ماجراهای دیوار و پیاده‌رو و... روز دیگر سپاه سیل شد، بعد از آن صداوسیما، یکی، دویار هم قوه قضائیه و حالا نوبت به شورای نگهبان رسیده است. خلاصه اینکه دولت به‌جای اینکه هر روز یک گره از زندگی مردم بگشاید و دردی از دردهای مردم را دوا کند، یک دشمن فرضی می‌سازد، به او حمله می‌کند تا همه کاسه‌وکوزه‌ها را سر آن بشکند.

این البته همه محورهای عملیات رسانه‌ای در داخل کشور نیست، چرا که ایده‌های دیگری هم برای اینکه کارنامه خالی دولت از ذهن‌ها محو شود هم وجود دارد. چندماه پیش بحث اختیارات رئیس‌دولت با تمام توان از سوی نزدیکان رئیس‌جمهور پیگیری شد و تمام تلاش رسانه‌های اصلاح‌طلب هم بر این قرار گرفت که بگویند دولت به‌اندازه وظایف خود اختیارات ندارد، لذا نمی‌تواند به وعده‌های خود عمل کند و از این رو نباید از دولت انتظارات بی‌جا داشت. این ادعا البته بعد از ماجرای گرانی ناگهانی و چندبرابری بنزین کلا به دست فراموشی سپرده شد، چرا که کذب‌بودن آن به ملموس‌ترین حالت ممکن نمایان و معلوم شد که دولت از اختیارات بی‌حد و حصری برخوردار است، آنقدر که می‌تواند چنین اتفاق بزرگی را بدون هماهنگی با دیگر قوای کشور به‌صورت مشخص مجلس اجرایی کند.

یا در مورد دیگر، برای مدت‌ها بحث برگزاری فرزندوم در جریان بود، و بر سر هر مسأله‌ای دولت و رسانه‌های نزدیک به آن می‌گفتند چرا نباید در کشور همه‌پرسی بر سر فلان موضوع برگزار شود، مصادیق موضوعات آن هم البته معلوم بود که همگی در حوزه سیاست خارجی و ادامه همان راه بی‌نتیجه قبلی بود. البته در این مورد دست این جریان پیش از این رو شده بود. چرا که یکی، دو سال پیش عباس عبدی از فعالان اصلاح‌طلب به نکته جالبی اشاره کرد و درباره چرایی برخی اظهارات درخصوص برگزاری فرزندوم گفت: «کلمه «فرزندوم» و «همه‌پرسی» برای بخشی از اصولگرایان گویی تبدیل به ناسزا شده است و با شنیدن آن از گوشه در می‌روند و اعصاب‌شان به هم می‌ریزد. اصلاح‌طلبان و منتقدان نیز متوجه ماجرا هستند. هرگاه بخواهند حال طرف مقابل را بگیرند و آنها را در موضع تدافعی قرار دهند، پیشنهاد فرزندوم می‌دهند!»

خلاصه اینکه ایده‌های دولت برای اداره کشور بیشتر از هر زمان دیگر به‌جای خدمت، کار عمرانی و تلاش برای آبادانی، روی عملیات رسانه‌ای و روانی سوار شده و احتمالاً با این روند در مدت باقی‌مانده از دولت دوازدهم نیز مردم باید با این شرایط بسازند و انتظار تغییر نداشته باشند.